



عشقم برای تو ، احساسم برای تو ، زندگی ام برای تو ، من هیچ نمیخواهم!

با قلب و احساس من بازی کن ، این قلب سرگرمی تو....

تو شاد باش ، من میسوزم ، تو بی خیال باش ، من میسازم....

در راه عشق تو مثل آتش سوختم و اینک نیز تنها خاکسترم بر جا مانده است....

خاکستری که تنها با باد محبت و عشق تو دوباره شعله ور خواهد شد....

در راه عشق تو چه سختی هایی کشیدم ، چه شکنجه هایی دیدم ، چه غم

و غصه هایی چشیدم ، و چه اشکهایی که نگو برای تو ریختم ، غرورم را شکستم

و از همه گناههایت گذشتم ، همه اینها فدای آن قلب بی وفای تو....

از آن سو تو از عشق سرد شدی ، از این سو من در عشق تو میسوختم

از آن سو تو بیخیال این دل عاشق من بودی ، از این سو من لحظه به لحظه

به باد تو و دلتنگ تو بودم .....

این دل من برای توست هر چه میخواهی آن را بشکن ، بشکن تا من نیز

همچنان بسوزم ... سوختن در آتش عشق تو به من گرمای

یک زندگی پر از امید را بدهد....

تو در آن سو در آسمان به ستاره هایی که چشمک میزنند نگاه کن

من نیز در این سو با حسرت به تو نگاه می اندازم و در حسرت آن

روزهایی مینشینم که در کنار هم بودیم ، عاشق هم بودیم ، و هیچکس

مثل ما همدیگر را دوست نمیداشت!

عزیزم تو با آرامش زندگی کن تا من نیز با آرامش تو عاشقانه زندگی کنم....

اگر با شکستن این دل من ، دیدن آن لحظه که در عشق تو میسوزم و

با عشقت میسازم تو را آرام میشوی ، حرفی نیست دلم را بشکن و با آن بازی کن .....



[alifathi1385.blogfa.com](http://alifathi1385.blogfa.com)